

وضع امنیتی ایران عصر قاجار از دیدگاه سیاحان خارجی با تأکید بر شیوه محاکمات و مجازات محکومان

حسن مجری¹، مهرداد دیوسالار²، علی غلامی فیروزجائی³

تاریخ دریافت: 1397/01/29
تاریخ پذیرش: 1397/03/28

از صفحه 97 تا 114

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی
سال پنجم، شماره هفدهم، تابستان 1397

چکیده

سفرنامه‌های سیاحان غیرایرانی از نخستین منابع ایران‌شناسی است که مؤلفان آن‌ها به دلایل مختلف از جمله نگاه بیرونی به جامعه ایرانی، حس کنجکاوانه غربی و غیره، مطالب ارزشمندی در اختیار محققان تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران قرار داده‌اند. عصر قاجار از جمله دوره‌هایی است که سیاحان بسیاری از ایران دیدن کرده‌اند. اوضاع امنیتی ایران عصر قاجار، اعم از جرم و جنایت و چگونگی برخورد با جنایتکاران و مجرمان و همچنین چگونگی زندانی کردن این مجرمان، از جمله موارد فرهنگی و اجتماعی است که مورد توجه سفرنامه نویسان قرار گرفته است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس سفرنامه‌ها نگاشته شده است، پاسخی است به این پرسش که سفرنامه نویسان غربی عصر قاجاری یکی از مهمترین مباحث امنیتی ایران یعنی جرم و جنایت و احکام مربوط به آن و شیوه محاکمات و مجازات محکومان را چگونه ترسیم کرده‌اند؟ نتایج پژوهش نشان داد که سفرنامه نویسان اروپایی ضمن اشاره به نحوه تامین امنیت و نیز چگونگی برخورد با مجرمین و زندانی کردن آنها، بر اساس مشاهدات محدود، تعمیم‌های نابجایی در مورد جرم و جنایت در ایران دوره قاجار در یادداشت‌های خود به ثبت رسانده‌اند.

کلید واژه‌ها

سفرنامه، امنیت، محاکمات، مجرم، زندان.

1- دکتری تاریخ اسلام، عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) mojarabi398@gmail.com

2- دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.

3- دکتری تاریخ اسلام، مدرس مؤسسه غیاث‌الدین کاشانی، آبیگ قزوین.

مقدمه

ایران عصر قاجار شاهد حضور اروپاییان با مقاصد تجاری، سیاسی، مذهبی، نظامی و گردشگری بود. علت حضور آنان، رویدادهای مهمی بود که از عصر ایلخانی آغاز شد و در دوران صفویه اوج گرفت. از این زمان به بعد جز در دوران کوتاه افشاریه و زندیه، مسافرت‌های اروپاییان افزایش داشته است. این مسافرت‌ها گاه به صورت سیاحت شخصی و گاه به صورت هیأت‌های اعزامی از سوی قدرت‌های اروپایی انجام می‌شد. مسافرت‌های اروپایی با عناوین مختلفی نظیر تجارت، دانشمند، مبلغ مذهبی و سفیر سیاسی وارد ایران می‌شدند که هرچند دغدغه اصلی آنان مسائل سیاسی بود، به مسایل فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نیز علاقه نشان می‌دادند. از این رو می‌توان فرهنگ عامه مردم اعم از باورهای فکری، اعتقادی و همچنین آداب و رسوم دینی مردم ایران عصر قاجار را از لایه‌لای یادداشت‌های ایشان مشاهده و استخراج نمود. به عبارت دیگر، در عصر قاجار، مأموران خارجی علاوه بر انجام فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی در ایران به جنبه‌ها اجتماعی و فرهنگی این سرزمین نیز توجه ویژه‌ای داشته‌اند. همان‌طور که از تاریخ‌ها و منابع دوره‌های مختلف از جمله دوره قاجاریه مشخص است، تاریخ‌های نگارش یافته ما بر مبنای تحولات سیاسی هستند. در تواریخ سیاسی نیز، بر محور خاندان حکومت‌گر و مسائل سیاسی مطرح می‌شود. از این‌رو کمتر به مباحث اجتماعی توجه شد. از سوی دیگر، در مباحث اجتماعی کمتر به وضعیت توده‌های مردم و جایگاه مجرمان و زندانیان پرداخته‌اند. در سفرنامه‌های اروپاییان که هر کدام به دلایل خاصی به ایران مسافرت کرده و نیز هرکدام به جهات مختلفی به نگارش دیده‌ها و شنیده‌های خود پرداخته‌اند، بیشترین اطلاعات را از اوضاع اجتماعی ایران در دوره قاجاریه ارائه داده‌اند. به عنوان یک پژوهش تاریخی با مبنای فرهنگی و اجتماعی، با مطالعه دقیق و مقایسه این سفرنامه‌ها با یکدیگر و نقد و بررسی یادداشت‌های آنان در مورد فرهنگ عامه ایرانیان، به وضوح می‌توان دریافت که برداشت‌های ایشان از فرهنگ عامه مردم و حتی میزان توجه آنان به این گونه مسائل، تحت تاثیر عواملی چند قرار داشته است. در این پژوهش سعی بر آن است تا نظرات سفرنامه‌نویسان اروپایی را نسبت به وضعیت امنیتی ایران در دوره قاجار مورد نقد و بررسی قرار گیرد. سفرنامه‌نویسان اروپایی به دلایلی چند از جمله، عدم تعصب در بیان واقعیت‌ها نسبت به فرهنگ غیر، ارتباط با

طبقات و اقشار و توده‌های مختلف جامعه ایران عصر قاجار، حس کنجکاوانه غربی در شناخت فرهنگ‌های جدید، نگاه تیزبینانه برای فهم زوایای گوناگون و ریشه‌های فرهنگ شناختی جوامع شرقی و غیره توانستند اطلاعات بسیار ارزشمندی از مقوله امنیتی و جرم‌ها و جنایت‌های صورت گرفته در ایران عصر قاجاری و مسایل فرهنگی، اجتماعی مربوط به آنها را در اختیار ما قرار دهند. پرسش پژوهش حاضر این است که سفرنامه‌نویسان اروپایی عصر قاجاری اوضاع امنیتی از جمله جرم و جنایت‌ها و احکام مربوط به آنها را چگونه ترسیم کرده‌اند؛ فرضیه ارائه شده بیان‌کننده این مطلب است که سفرنامه‌نویسان اروپایی هرچند نگاه متفاوت و کنجکاوانه و تیزبینانه‌ای به فرهنگ و جامعه ایران عصر قاجار داشته‌اند ولی بیشتر آنها با رویکرد سیاسی، پیش‌داورانه و یا با نگاهی از بالا به پایین و بدون توجه به شناخت دقیق اوضاع فرهنگی و اسلامی ایران به موضوع مذکور نظر افکندند. این‌گونه سفرنامه‌ها بیشتر حاصل مأموریت‌های سیاسی و نظامی دول غرب بوده است. به عنوان نمونه سفرنامه پیر ژوبر فرانسوی (1779-1847) شاگرد شرق‌شناس معروف سیلویستر دوساسی است که به سبب اشتغال در وزارت جنگ فرانسه، مأمور شدتا در سال 1804م خبر موفقیت‌های ناپلئون بناپارت را به سلیم سوم امپراطور عثمانی و فتحعلی‌شاه قاجار در ایران برساند. ایشان در طول سفر خود از آناتولی، ارمنستان، کردستان و آذربایجان دیدن کرد (ژوبر، 1347: 2). با مراجعه به این سفرنامه‌ها بیشتر اوضاع سیاسی و توصیفی از راه‌ها، شهرها و وقایع مربوط به آنان منعکس شده و از آداب و رسوم مردم کمتر بحث شده است. البته سفرنامه‌هایی مانند کتاب «زیر آسمان» تألیف هرمان نوردن انگلیسی مقیم آمریکا که پس از جنگ جهانی اول و بدون مأموریت سیاسی به ایران آمده و تحقیقات بسیاری در مورد مردم‌شناسی، جغرافیا و تاریخ ایران انجام داده است. در این میان اوضاع امنیتی و بررسی مسائل مربوط به آن، از جمله بحث جرایم و مجازات‌ها از جمله موضوعاتی هستند که سفرنامه‌نویسان عصر قاجار، در میان یادداشت‌هایشان به بیان و توصیف آن پرداخته‌اند. چرا که جرم و جنایت و وجود آن در ایران همانند سایر کشورها امری متداول بوده که طبیعتاً طبق قانون عرفی و شرعی هر دوران با آن برخورد می‌شد. ایران دوره قاجار از این اصل مستثنی نبوده و مسلماً در قبال هر جرمی که در جامعه صورت می‌گرفته، طبق شرایط و قوانین همان دوره، مجرمین به سزای عمل خود می‌رسیدند. جدای از

قانون موجود در هر دوره، جامعه نیز در قبال برخی جرایم واکنشی از خود بروز می‌داده است. بنابراین پژوهش حاضر تحت عنوان بررسی وضعیت امنیتی در ایران عصر قاجار در مهم‌ترین سفرنامه‌نویسان خارجی است که در عصر قاجار به ایران آمده‌اند.

پیشینه پژوهش

در باب اوضاع امنیتی ایران عصر قاجار از دیدگاه سیاحان خارجی با تاکید بر شیوه محاکمات و مجازات محکومان کار مستقل و جامعی انجام نشده، تحقیقات موجود در این موضوع که برخی از آنها مهم نیز هستند، بیشتر در حول یک یا چند گونه جرم و با تکیه بر منابع تاریخی متمرکز شده‌اند. کتاب «بررسی تحلیلی و تطبیقی جرایم قذف، افترا و توهین، مقاله جرم و جنایت، امنیت و ناامنی، مقاله جنایت و مکافات، مسئله امنیت در تهران عصر ناصری و وظایف پلیس، مقاله بررسی جرایم اجتماعی در عصر ناصری، مقاله «مجازات عرفی مجرمان در عصر قاجاریه از آغاز تا مشروطه» و مقاله «منصب داروغه در دوره قاجاریه» نمونه‌ای از این دست است که به جرایم مذکور از آغاز ورود اسلام به ایران تا دوران مشروطه، برخی از جرایم عهد ناصری همچون دزدی، راهزنی و اغتشاش و برخی از جرایم جنایی و نقش پلیس و داروغه را مورد توجه قرار داده است.

وضعیت امنیتی، جنایت‌ها و احکام مربوط به آن در ایران عصر قاجار

وضعیت امنیتی و جرایم و مجازات‌ها از جمله مسایلی هستند که سفرنامه نویسان عصر قاجار در میان یادداشت‌هایشان به بیان و توصیف آن پرداخته‌اند. وجود جرم و جنایت در ایران همانند سایر کشورها امری متداول بوده که طبیعتاً طبق قانون عرفی و شرعی هر دوران با آن برخورد می‌شد. ایران دوره‌ی قاجار از این اصل مستثنی نبوده و مسلماً در قبال هر جرمی که در جامعه صورت می‌گرفته، طبق شرایط و قوانین همان دوره، مجرمین به سزای عمل خود می‌رسیدند. جدای از قانون موجود در هر دوره، جامعه نیز در قبال برخی جرایم واکنشی از خود بروز می‌داده است. همانطور که فریزر در مورد جامعه ایران عصر قاجار می‌گوید: «ایرانیان مردمانی عجیب هستند. با اینکه ساده‌دلند، ولی نمی‌توانند از گناهی که همسایه‌شان مرتکب شده، بگذرند. (فریزر، 1364: 261). باید گفت به‌رغم حرام بودن شراب، می‌خوارگی در دوره قاجاری از جمله

عهد ناصری، بسیار رایج بود و موجب وقوع اتفاقات ناگواری برای جامعه می‌شد. در این میان، برخی از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی، از زیادی جرم و جنایت و عدم تناسب جرم و مجازات در ایران عصر قاجار حکایت می‌کند. به طوری که در قبال جرایمی کوچک، احکام سنگینی از طرف حکومت و دستگاه قضاوت، برای خاطیان در نظر گرفته می‌شد. هنریش بروگشن در این باره می‌گوید: «زیادی وقایع قتل و غارت در تهران اخیراً موجب آن شد که ناصرالدین‌شاه فرمان داده هرکس مشروب بخورد و مست کند دستگیرش کنند و اعدام کنند. زیرا بیشتر قاتلان و مجرمین کسانی بودند که در عالم مستی اقدام به جنایت می‌کردند» (بروگشن، 1367: 591). دیولافوا در سفرنامه خود می‌نویسد، هنگامی که حاکم شهر قم به آنها وعده شراب داد، در حالی که او و شوهرش از پذیرفتن آن امتناع کردند، خوشحالی و مسرت حاکم را دیدند و ادامه می‌دهد برای کسی که مصرف مشروبات الکلی را در این شهر به احترام امامزاده ممنوع کرده و هر کسی که مرتکب شود به چوب می‌بندد، بیرون آوردن بطری مشروبات از زیر زمین خودش خالی از اشکال نیست (دیولافوا، 1378: 220-221). در این میان حتی دستگاه‌های مربوطه، دستورالعمل‌های خاصی برای پیش‌گیری از جنایات احرار می‌نمودند. کنت دوسرسی معتقد است، به علت زیادی جنایات در ایران، از جمله راهکارهای کاهش جنایات و پیشگیری از آن این بود که قسمتی از بدن شخص مجازات شده را، در ملا عام قرار می‌دادند؛ تا با دیدن آن، درس عبرتی برای دیگران شوند (دوسرسی، 1362: 147).

در نظر ایرانیان مذهبی، عُرف، مظهر ظلم و بی‌عدالتی بوده و صرفاً آن را قوه مجریه تلقی می‌کردند که کارش اجرای تصمیمات شرع، یا قوه مقننه بود. حکمران تهران و همچنین حکمرانان ایالات و ولایات، در بیشتر موارد، طرفین دعوا را به حکام شرع ارجاع می‌دادند. در ایران عصر قاجار، کیفر به منزله دفاع برای نگه داشت و تحکیم جامعه در برابر کسانی که موجودیت آن را تهدید می‌کردند، نبوده بلکه عملی بود انتقامی و در نتیجه شدت و ملایمت انواع کیفرها بر آن ضابطه اختیار می‌شد. میرغضب‌ها به تعداد فراوان در اختیار شاه و حکام قرار داشتند و در تمام مسافرت‌ها و فتوحات آنان را همراهی می‌کردند. مجازات اغلب بلافاصله با دادن علامتی و گاه در حضور شخص انجام می‌گرفت (پولاک، 1361: 244). کرزن نیز معتقد است، قانون و قضاوت و کیفر در

ایران، خیلی سریع و خشن اجرا می‌شد، زیرا منظورشان این نبوده که مقصر را اصلاح نمایند؛ بلکه هدف، انتقام و قصاص و ترساندن دیگران بوده است (کرزن، 1373: 1/105). برخی دیگر از سفرنامه‌نویسان قانون برخورد با مجازات‌ها را ناقص دانسته از جمله گاسپار درو ویل که قانون ایران را رسا نمی‌داند و معتقد است که برای نظم اجتماعی مضر می‌تواند باشد؛ زیرا مجازات‌هایی که برای گناهان بسیار زشت تعیین شده، آن‌چنان خفیف و بی اهمیت است که بیشتر به شوخی شباهت دارد (دروویل، 1370: 182-189). رسیدگی به دزدی‌ها، راهزنی‌ها و اختلافات مالی یا مسایل زناشویی در صلاحیت قضات شرع بود که مورد احترام فوق‌العاده مردم بودند. در ایران، شهادت دادن امر معمولی و خطرناک بوده است، چون هرکس به دروغ شهادت می‌داد، به سخت‌ترین وجه مجازات می‌شد (دروویل، 1370: 182-189). در تحلیل مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد که کارهای تحقیقاتی سفرنامه‌نویسان سیاحان خارجی با همه‌ی ظرافت و زیبایی خاص خود به ویژه در مورد جرم و جنایت و مسائل امنیتی، اشکالات و کاستی‌های زیادی هم داشته که از نقاط ضعف آنان به شمار می‌روند. به این منظور که آنان مشاهدات مقطعی خود را که به زمان و مکان و یا شخص خاصی تعلق داشته، عمومیت داده و از آن به عنوان کلی یاد کرده‌اند. به عنوان نمونه دروویل در بیان اینکه «در ایران، شهادت دادن امر معمولی و خطرناک بوده است، چون هرکس به دروغ شهادت می‌داد، به سخت‌ترین وجه مجازات می‌شد» در تمام مناطق ایران زمین این‌گونه نبوده و به صورت مطلق نمی‌توان چنین قضاوتی نمود و یا از دیگر اشتباهات برخی از این سیاحان خارجی نقل از منابع شفاهی غیر معتبر بوده است.

در برخی موارد نیز، مشاهده شده که حکم با جرم انجام شده همخوانی نداشته بود. به عنوان نمونه گاسپار گزارش می‌دهد: «گاهی مجرم را تا هزار ضربه چوب محکوم می‌کنند.» وی در سفر در ایران می‌آورد: «سربازی که از خدمت فرار کرده بود را با پانصد ضربه شلاق مجازات کردند» (همان‌جا). مجازات‌هایی که در ایران نسبت به گناهکاران و گاهی اوقات هم نسبت به بی‌گناهان اعمال می‌شد، عبارتند از توییح‌های شفاهی و کتبی، جریمه مالی و تنبیه‌های بدنی مانند چوب، فلک و... قطع عضو مانند بریدن دماغ، دست و انگشت، گوش و در مورد شاهزادگان، در صورت خیانت کور کردن هر دو چشم، حبس در زندان حکومتی تهران که آن را «نبار» می‌نامیدند و اعدام.

هرچند گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد، شاهان خود برای برخی از جرایم احکامی را صادر می‌کردند. مجازات‌هایی که شاهان قاجاری مجرمین را به آن محکوم می‌کند بر سه نوع بوده است: چوب زدن کف پا، قطع بینی یا گوش و اعدام (همان‌جا). اولیویه، گیوم آنتوان نیز در این باره می‌گوید: کدخدا دختری جوان را که جوان و خوشگل بود، به عنف به خانه برد و چون حاکم مطلع گردید 50 چوب کف پای او زد و محبوسش کرد و تا مراجعت شاه در محبس خواهد بود (اولیویه، 1371: 65). مواردی نیز در میان یادداشت‌های سفرنامه‌نویسان موجود است که نشان از دخالت ملکه (مادر شاه) در بریدن حکم برای مجرمان و اجرای آن دارد. به عنوان نمونه گاسپار در میان یادداشت‌هایش از این گونه موارد، سخن می‌راند. وی در سفر در ایران می‌گوید: «چند روزی از ورودم به تهران نگذشته بود که دخترکی رقاصه حدود شانزده یا هفده ساله‌ای را به جرم بدکاری و مراوده‌اش با منزل اروپاییان به حضور ملکه (مادر شاه) آوردند. ملکه، علی‌رغم شنیدن عجز و ناله‌های دخترک، فرمان اعدام او را صادر کرد. وی را در لای نمد بزرگی پیچیدند. ضمن مالیدن و خرد کردن در میان نمد خشن، نمدمالان آنقدر در زیر پاهای سنگین خود لگدمالش کردند تا لکه‌های خون، از او به زمین ریخت (دروویل، 1370: 192). باید گفت عدم اجرای قانون، از ویژگی‌های حکومت ایران در عصر قاجار بود. حاکمان به صورت دلخواه در حوزه اختیارات خود حکومت می‌کردند. سایکس نیز در این زمینه می‌نویسد: «در مواقع محاکمه حق نیز مانند چیزهای دیگر فروخته می‌شد. این مطلب را همان‌طور که در جاهای دیگر ذکر شد نباید فراموش کرد که ایران در این روزگار پر از ظلم، حق‌کشی، رشوه و ارتشاء می‌باشد. طبقه حاکمه ایران که از شاهزادگان می‌باشند نه تنها در مطالبات جابرانه خود بدون رحم و شفقت می‌باشند، بلکه هیچ فکری برای بهبود اوضاع کشور خود نمی‌کنند. وقتی من در حضور یک شاهزاده پیر ایرانی از فعالیت‌های حاکمی در اعاده نظم و امنیت و دستگیری و اعدام دزدان تمجید می‌نمودم شاهزاده جواب داد «حاکم کار خطائی نموده است، ولی بایستی فقط به زندانی نمودن راهزنان قناعت نماید و از آنها پولی گرفته و در موقعی که از حکومت منفصل می‌شود آنها را نیز آزاد نماید. چنانچه او در ایالت خود انتظام و امنیت را چنان برقرار کند که بعداً یک پسر بقال نیز بتواند به آسانی حکومت نماید پس او دشمن طبقه حاکمه است» (سایکس، 1380: 549-550). البته در

بررسی آسیب‌شناسی آثار سیاحان خارجی در مورد جرم، جنایات و مسائل امنیتی چنین به نظر می‌رسد که آسیب اصلی محتوی این‌گونه آثار محدود به منطقه‌ای و بومی دانستن مسائل امنیتی ایران برمی‌گردد و پیامد این‌گونه اطلاعات نشان دادن این‌که کل طبقه حاکمه ایران که از شاهزادگان می‌باشند نه تنها در مطالبات جابرانه خود بدون رحم و شفقت می‌باشند، بلکه هیچ فکری برای بهبود اوضاع کشور خود نمی‌کنند. به عنوان نمونه عباس میرزا فرزند فتحعلی‌شاه قاجار این جور رفتاری نداشته است.

انواع مجازات

بنا به اطلاعات سفرنامه‌ها، مجازات‌ها در ایران عصر قاجاریه خیلی ظالمانه بوده و هر نوع شکنجه‌ای به اجرا گذاشته می‌شد. سرپرسی سایکس می‌نویسد: «یک حاکم جدید در ابتدا دسته دزدان و یاغیان را که دستگیر می‌کند مورد شکنجه قرار می‌دهد. این عمل نه از جهت قساوت است بلکه می‌خواهد بدین وسیله از سایرین زهر چشم بگیرد. به تدریج با تاثیر قوانین جدید، دیگر از شکنجه‌هایی مانند زنده گچ گرفتن، نعل کردن و مجازات‌های مشابه آن کمتر شنیده می‌شود. چوب و فلک در ایران تنبیه معمولی محسوب می‌شود و عموم اشخاص از وضع و شریف ممکن بود لذت آنرا بچشند و آن هرگز شرافت و حیثیت کسی را لکه‌دار نمی‌ساخت. بیست و پنج سال قبل، قوام‌الملک فرماندار مروی شیراز به دستور استاندار فارس فلک شده بود. موقع چوب زدن برای رعایت احترام یک قالی ابریشمین روی زمین پهن نمودند. در اصطلاح ایرانیان مردی که تنبیه می‌شود می‌گویند چوب می‌خورد. باری باید به‌خاطر داشت که در کشور فقیری مانند ایران غیرممکن است که زندانهای منظم داشت. در نتیجه مجازات هرچه سریع‌تر باشد بهتر است. به شرطی که رعایت عدل و انصاف در آن بشود و پول آنرا تحت نفوذ قرار ندهد» (سایکس، 1380: 2/ 552). اما بنا بر گزارش سفرنامه تویسان، صورت کلی مجازات‌ها در ایران سه گونه بود: اعدام برای گناهان بزرگ، زندان و شکنجه.

1- اعدام

حکم اعدام معمولاً توسط علمای مذهبی و براساس احکام شرع صادر می‌شد (پولاک، 1361: 247). براساس قوانین آن زمان، زن شوهرداری که به همسرش خیانت کرده بود، باید در مقابل جمع و درون گودالی که در زمین حفر شده بود، نشانده شود و

به فرمان محتسب سنگسار شود. (همان جا). نوع دیگر مجازات برای اینگونه زنان این بوده که، زنان را زنده زنده درون کیسه‌ای می‌گذاشتند و در آب می‌انداختند (دروویل، 1370: 182). مجازات اعدام در مورد مردان زناکار نیز اعمال می‌گردد (همان: 183). مجازات اعدام در برابر جرایمی از قبیل دزدی، آدمکشی، هتک ناموس، خیانت‌های بزرگ، یاغی‌گری و بالاخره همجنس‌بازی نیز اعمال می‌شد (همان: 182-189).

در بعضی مواقع حکم اعدام (قصاص) که در مورد قتل نفس اجرا می‌شد می‌توانست براساس تصمیم عرف، یعنی شاه یا یکی از حکمرانان ایالات گوناگون نیز صورت گیرد. اما به طور کلی در مورد اعدام، کارکنان دولت، فقط مجری احکام دادگاه شرع بودند. انواع احکام اعدام عبارت بود از: سنگسار کردن، دار زدن، بریدن سر با شمشیر یا بریدن رگ گردن با چاقوی کوچک و تیز. رسم تحویل قاتل به ورثه مقتول هم در دوره‌ی قاجار پا برجا بود. در این گونه موارد بسیار پیش می‌آمده که محکوم قبل از کشته شدن، توسط خویشاوندان مقتول مورد شکنجه‌های دردناک قرار می‌گرفت.

اعدام‌ها در ایران بیشتر در قبال اعمال منافی عفت از قبیل زنا اجرا می‌شد که به چند صورت اعمال می‌شد. از جمله؛ در ایران زنان تبه‌کار را درون کیسه‌ای قرار داده و از برج به زمین می‌اندازند (بروگشن، 1367: 590). هانری رنه دالمانی نیز بر آن است که اگر زن مرتکب عمل منافی عفت شود به شدت مجازات شود و اگر مرد بتواند اثبات کند که زن به وی خیانت کرده ان زن سنگسار می‌شود (دالمانی، 1335: 312). مرد زناکار را به دار آویزان و زن را نیمه در خاک گذاشته و سنگسار می‌کردند (وامبری، 1337: 190). هر چند لازم به گفتن است که جامعه آن زمان نیز ظرفیت پذیرش چنین احکامی را دارا بود، چرا که هنگام اجرای حکم سنگسار، مؤمنان خوشحال می‌شدند که عامل جنایتی به این بزرگی (زنا) به کیفر خود رسید (آنه کمود، 1368: 155).

روش دیگر اعدام در دوره قاجار، بنا بر گزارش برخی از سفرنامه‌نویسان، پرتاب مجرم از ارتفاع به سمت زمین بود. به طوری که براون می‌گوید در تبریز ارگی بود که جنایتکاران را از بالا به پایین پرتاب می‌کردند. حتی یک زن نیز که به مرگ محکوم شده بود او را از بالا پرتاب کردند ولی به علتی که لباس‌های گشاد داشت با وارد شدن هوا به لباس‌هایش هنگام افتادن سالم ماند و نمرد (براون، 1361: 87). در ایران زنان تبه‌کار را درون کیسه‌ای قرارداده و از برج به زمین می‌انداختند (بروگشن، 1367:

590). بنا بر آنچه سفرنامه‌نویسان اروپایی گزارش می‌دهند اعدام به وسیله شلیک گلوله نیز در آن دوره مرسوم بوده است. ویلز بیان می‌کند که در شیراز به چشم خود دیدم که دو نفر به وسیله شلیک گلوله تفنگ و توپ اعدام شدند(همان‌جا).

گاسپار معمولی‌ترین روش جهت اعدام در ایران را، قطع کردن سر در اثر ضربه محکم و سریع تیغ جلاذ می‌داند. قبل از اجرای حکم، بنا به درخواست و یا میل محکوم، ابتدا قلیان آماده شده‌ای را به او می‌دادند و سپس حکم را اجرا می‌کردند (دروویل، 1370: 192). پس از مجازات، جسد معدوم به 4 قسمت تقسیم می‌کردند. قسمتی بر چوبه‌ی دار و سه قسمت دیگر بر دروازه‌های شهر در معرض نمایش قرار می‌گرفت. شواهد سفرنامه‌نویسان گویای این مطلب است که در دوره قاجار، مرسوم بوده که دوران جان کندن محکوم را طولانی می‌کردند. پولاک در این مورد می‌گوید: «به استثنای اعدام بابی‌ها، دیگر همچون گذشته، دوره جان کندن محکوم را طولانی نمی‌کنند» (پولاک، 1361: 244).

نکته‌ی حائز اهمیت اینکه، ایرانیان خونسردی زیادی در مورد مشاهده اجرای حکم اعدام از خود نشان می‌دادند و جمعیت فراوانی از مرد و زن و کودک بدون احساس ناراحتی از فاصله نزدیک چگونگی سربریدن و به دار کشیدن اشخاص را مشاهده می‌کردند. این خونسردی شاید از اینجا سرچشمه می‌گیرد که معمولاً ایرانیان حیوانات اهلی مانند گوسفند و مرغ و گاو را غالباً در معابر ذبح می‌کنند و پوست آن را می‌کنند و به این ترتیب به مشاهده چنین مناظری عادت دارند و ناراحت نمی‌شوند (بروگشن، 1367: 591). اعدام یا با آویختن یا با بریدن سر یا با برخاک کشیدن محکوم در معابر عملی می‌گردید(همانجا). گاسپار نظری مخالف همتایان اروپاییش دارد. وی هرچند برگزاری مراسم اعدام در ملا عام را تایید می‌کند ولی می‌گوید که ایرانیان در تماشای مراسم اعدام رغبت چندانی نشان نمی‌دهند. وی در این باره می‌گوید در هنگام عمل اعدام جز تعداد اندکی از غریبه‌ها و روستایی‌های اطراف کسی به تماشا نمی‌ایستد چرا که امروزه این عمل امری متداول شده است (دروویل، 1370: 192). در تحلیل مطالب فوق می‌توان گفت باوجود این که سفرنامه‌ها اطلاعات متنوع و شاید فراوان درباره اعدام در مناطق مختلف ایران در اختیار مردمان مغرب زمین قرار داده، باید توجه داشت که مطالب آنان در این موضوع اعتبار و ارزش یکسانی ندارند و ارزش آنها به نقاط قوت و

ضعف کار سفرنامه‌نویسان بستگی دارد، مهم‌ترین نقاط قوت و جوانب مثبت این گونه آثار بیان مشاهدات عینی است که از معتبرترین شیوه‌های انتقال اطلاعات و معیاری برای سنجش گزارش‌ها و اخبار به شمار می‌رود. به عنوان نمونه در گزارش بروگسن «ایرانی‌هاخونسردی زیادی در مورد مشاهده اجرای حکم اعدام از خود نشان می‌دادند» اگر ایشان به عینه این خونسردی را دیده خیلی ارزش فراوانی دارد ولی شنیدن این مطالب از دیگران، ارزش علمی زیادی ندارد. به طور طبیعی مطالبی را که گزارش‌گر با فرض مطمئن بودن و صداقت راوی بر اساس دیده‌ها و شنیده‌های خود نقل می‌کند، از مطالبی که با واسطه و از طریق دیگران بازگو می‌نماید، ارزش بیشتری دارد. از آنجایی که گزارش‌های سفرنامه‌نویسان به صورت نسبی نه مطلق بر مبنای مشاهدات عینی آنان، آداب و رسوم زندگانی مردم، وضعیت شهرها، برگزاری مراسم اعدام و یا جشن‌ها و ... مصداق بیشتری می‌یابد، زیرا به طور معمول سیاحان خارجی و به ویژه اروپائی این امور را در حین سفر به عینه مشاهده می‌نمودند.

2- زندان

زندان در ایران نیز، مانند سایر کشورها، نوعی از مجازات و وسیله ای برای سلب آزادی است. کارلاسرنا در این باره می‌گوید: «زندان در ایران چند نوع است. هر یک از اعیان و مالکان برای خود زندان در منزل دارند. یک زندان در بازار است که در آن زندانیان را روز با زنجیر بر گردن و پایشان می‌بندند و شب بر تیر چوبی تا حرکت نکنند. زندان سیاه چال دربار هم اوضاعش بدتر است افراد زیادی بی هیچ محاکمه‌ای توقیف می‌شوند. بر حسب گناهشان به گروه‌های پنج یا شش نفره‌ای به هم بسته‌اند (کارلاسرنا، 1372: 131). در ایران در نقاطی که زندان وجود نداشت. برای توقیف مجرمین معمولاً از کند و زنجیر استفاده می‌شد. مجرمین را با توجه به سنگینی جرم آنها با بردن بینی، گوشها، مچ دست، در آوردن چشم و اعدام مجازات می‌نمودند. بردن بینی و گوشها نیز در ایران امری بسیار متداول بود بطوری‌که حتی در مورد جرایم بسیار ناچیز هم اعمال می‌گردید (دروویل، 1370: 182-189).

کرزن زندان‌های تهران را اینگونه توصیف می‌کند: «اول زندان زیر زمین ارگ که مقصرین مهم را در آن سیاه چال می‌اندازند. دوم زندان شهری برای دزدان و آدمکشان و سوم زندانهای موسوم به تحت و نظر که کند و زنجیر ندارد» (کرزن، 1373: 1/ 105).

بروگش در آخرین شبی که در اصفهان بود، از زندان مرکزی شهر دیدن کرد. این زندان که در نزدیکی هشت بهشت قرار داشت، اتاق کوچکی داشت که هفت زندانی سالیان دراز بی آنکه هیچ شکایتی داشته باشند، در آن به سر می‌بردند. وقتی بروگش داخل اتاق شد، در حالی که در حال کشیدن قلیان بودند، با او احوالپرسی کردند (بروگش، 1367: 411). در تحلیل مطالب فوق نکته خیلی مهم که از موارد اعتبار سفرنامه‌ها به شمار می‌رود، گزارشگری محض است. به این معنا که سفرنامه‌نویس فقط به بازگو کردن دیده‌ها و شنیده‌های خود بسنده می‌کند و از بیان برداشته‌ها و دیدگاه‌های شخصی خود پرهیز می‌نماید. به عنوان نمونه کرزن زندانهای تهران را اینگونه توصیف می‌کند: «اول زندان زیر زمین ارگ که مقصرین مهم را در آن سیاه چال می‌اندازند. دوم زندان شهری برای دزدان و آدمکشان و سوم زندانهای موسوم به تحت‌ونظر که کند و زنجیر ندارد». این ویژگی موجب می‌شود که خواننده با مجموعه‌ای از اطلاعات پردازش نشده، بی‌طرفانه و به دور از پیش داوری‌ها نویسنده روبه‌رو گردد و در نتیجه‌گیری و قضاوت خود تحت تأثیر دیدگاه خاصی قرار نگیرد. البته این ویژگی در همه سفرنامه‌ها وجود ندارد و برخی از سفرنامه‌نویسان نه تنها به تحلیل و داوری در مورد مشاهدات خود پرداخته‌اند، بلکه گاه در نقل آنها نیز جانب‌دارانه رفتار کرده‌اند.

3- شکنجه

هرچند شمار سیاحان غربی که در عصر قاجار به ایران آمدند بسیار زیاد بود، سفرنامه‌های این عصر در موضوعات مختلف اجتماعی مانند مجازات محکومین به‌ویژه شکنجه ارزش و اهمیت سفرنامه‌های عصر صفوی را ندارد. زیرا سفرنامه‌های این دوره تحت تأثیر اهداف و عمل‌کردهای سیاسی و استعماری بوده است. به هر حال سیاحان خارجی از مجازات شکنجه هم در سفرنامه‌های خود مطالب بازگو نموده‌اند.

از دیگر انواع مجازات در دوره قاجار، شکنجه کردن مجرمان بود. مجازات کور کردن در موارد خاص و تنها درباره اشخاصی که مورد سوءظن شاه واقع می‌شدند، اعمال می‌گردید. روحانیون نیز افرادی را که مرتکب اعمال خلاف مذهب می‌شدند، به خصوص در مورد شراب خواری، مجازات می‌نمودند. مجازات‌هایی را که روحانیون بر آن حکم می‌دادند، درباره فقرا، چوب و فلک و در مورد اغنیا و نجبا، پرداخت جریمه نقدی بود (دروویل، 1370: 182-189) و چنانچه متهم فردی غیر مسلمان می‌بود، با شدت

بیشتری با او برخورد می‌کردند. حتی برای اعتراف گرفتن از آنها به زور متوسل می‌گردیدند (ویلز، 1368: 119). طبق گزارشی از پولاک قطع عضو تناسلی نیز در آن دوره امری رایج بود. هرچند با مرور زمان از انجام این مجازات کاسته شد. بطوری که در اواخر دوران قاجار، قطع عضو تناسلی فقط عنوان مجازات برای ارتکاب جنایتی که ضمن آن تجاوز هم صورت گرفته بود اجرا می‌گردید (پولاک، 1361: 177).

از انواع دیگر شکنجه‌ها، این بود که بدن مجرم را در حالی که سر او بیرون مانده بود، گچ می‌گرفتند. اشکلکت (دست) بستن دستها به یک درخت آنطور که بدن در هوا معلق بماند، سوزاندن زیر بغل، قرار دادن بدن برهنه به روی قطعات یخ، بستن آلت تناسلی به این منظور که مانع خروج ادرار شود و ... نیز شیوه‌های دیگر شکنجه بود، که طبق قوانین عرفی یا شرعی موجود در زمان قاجار، اعمال می‌گردید (همان: 243). پولاک معتقد است، چون نظر حکومت به هیچ وجه آن نبوده که با اعمال شکنجه کسی را بکشد، پس کار شکنجه تا آنجا پیش می‌رفت که محکوم با پرداختن مبلغی معین تن در دهد. هرچند چندین روز دیگر چنین عملی تکرار می‌شد تا مجدداً مبلغی دیگر عاید گردد (همان: 244). بسیاری از عمال و مجریان قانون به نوعی از شکنجه کردن لذت می‌بردند. به عنوان نمونه، از جمله لذتهای عباس میرزا این بود که مجرمین را در حضورش زجر دهند گاه چشمان‌شان را کور کنند و زمانی قلبشان را درآورد یا به مجازاتهای سخت تری محکوم نماید (دوکوتزبوئه، 1368: 104).

بنا بر شواهد ارائه شده در متون سفرنامه نویسان اروپایی، در مورد جرایم و احکام آن، باید گفت، هرچند، این دسته از نویسندگان، در درک احکام فقهی آن دوران عاجز بوده و بنا بر شواهد موجود، در فراگیری آن نیز تلاشی نکرده بودند، ولی نباید از اطلاعات ارزشمندی که در باب فهم اوضاع فرهنگی حاکم بر ایران دوره قاجار، بدست داده‌اند، غافل شد، چون ایران در مطالعات اروپاییان جایگاه خاصی داشته، زیرا در طول حیات فرهنگی و تمدنی خود با غرب بسیار رودرو شده و هیچ‌گاه از منظر مطالعات آنها دور نبوده است. از طرف دیگر در مطالعات تاریخی مستشرقان و سیاحان خارجی مسئله تأثیرگذاری اندیشه‌های دینی زرتشتی در آداب و رسوم اجتماعی ایران به ویژه مسائل جزایی، امنیتی، جرم و جنایت و مسائل مذهبی با حساسیت و کنجکاوی بیشتری دنبال

شده است. البته فعالیت‌های شرق‌شناسی همراه با گسترش دیدگاه‌های ناسیونالیستی در نوع نگرش آنان به مطالعات ایرانی تأثیرگذار بوده است.

شیوه برخورد با اسیران ایرانی در عصر قاجار

از جمله اتفاقات روزمره که بنا بر گزارش برخی از سفرنامه نویسان ممکن بود در زندگی هر ایرانی دوره‌ی قاجار اتفاق بیافتد، بردگی و اسارت است. بطوری‌که چند تن از سفرنامه نویسان به عینه با این مسئله برخورد کردند. بارنز در سفرش به ایران در نیمه راه صحرا به هفت ایرانی نگون بخت که به دست عده‌ای اسیر شده بودند بر خورد که آنها را به بخارا می‌بردند تا در آنجا بفروشند. پنج نفرشان را با زنجیر به یکدیگر بسته بودند و این عده راهشان را از میان انبوه شن طی می‌کردند (بارنز، 1395: 17). بین افراد کاروان 8 تا 10 نفر ایرانی بودند که سالهای زیادی را به صورت اسیر و برده نزد صحرا نشینان به سر برده بودند این افراد بعد از بازخرید آزادیشان اکنون به طور مخفیانه در حال بازگشت به وطن‌شان بودند. (همان: 18). بارنز با تنی چند از آنها صحبت کرد. شنیدن رنجهای گذشته‌شان به اندازه اضطراب آنها در حال حاضر دردناک بود. یکی دیگر از این افراد سرگذشتی داشت که آن هم در نوع خود رقت آور بود. او به اتفاق افراد خانواده‌اش و در حقیقت با تمام ساکنان روستایش در نزدیکی ترشیز (کاشمر امروز) ربوده شده به دست یکی از بزرگان خراسان به ترکمانان تحویل داده شد اسرا را در محلی به نام میمند واقع در کنار راه به دیگران سپرده شدند و بالاخره در بخارا بفروش رسیدند. در آنجا این مرد بیچاره ناظر بود که همسرش را به یک نفر دختر و پسرش را به افراد دیگر و خودش را به شخص ثالثی فروختند. (همان: 19) قیمت برده‌هایی که به اسارت گرفته می‌شوند خیلی گران نیست. مگر آنکه در حرفه‌ای مهارت داشته باشد. قیمت زنهای برده به تناسب خیلی گرانتر از مردهاست (دروویل، 1370: 237).

چنانچه اسیر مورد نظر هم کیش ایرانیان نباشد با شدت بیشتری با وی برخورد می‌شود. ویلز در سفرنامه‌اش از به اسارت گرفته شدن یک مرد یهودی مطلب می‌آورد که پس از شکنجه فراوان و با کتک زدن از وی در مورد گنج یافت شده اعتراف گرفتند (ویلز، 1368: 119). جوزف ولف به نقل از کتاب جاده‌های زرین و سمرقند ماجرای یک مسیحی را بیان می‌کند که در دوآب که اطراف بلخ است اسیر دست گروهی متعصب مذهبی شدم که با شناخت من که مسلمان نیستم گفتند یا بگو نیست خدایی جز

خدای یگانه محمد یا می کشیمت. من هم گفتم نیست خدایی جز خدای یگانه و عیسی پسر خداست. مرا گرفتند و از آنجا که با استدلال ماهرانه ای به زندانیان گفتم که ریختن خون من باعث انتقام خونینی می شود مرا لخت کرده و رهایم کردند (بلانت، 1346: 282). هرچند گاسپار می گوید امروز بردگی در ایران خیلی کمتر از گذشته متداول است و جز برده های گرجی که گاه در تجاوزهایی که به منظور دزدیدن اشخاص و یا احشام در سرزمینشان صورت می گیرد به چنگ می افتند تقریباً برده های دیگری وجود ندارد (دروویل، 1370: 233).

نتیجه گیری

سفرنامه نویسان اروپایی که در دوره قاجار عازم ایران شدند، با ذکر مشاهدات و یادداشت برداری از آنها، مطالب ارزشمندی را در اختیار محققان تاریخ فرهنگی و اجتماعی دوره ی قاجار قرار داده اند. از جمله این اطلاعات ارزشمند می توان به مسائل مربوط به امنیت و به ویژه جرم و جنایت و احکام مربوط به آن در فرهنگ ایران عصر قاجار اشاره کرد. در مورد بررسی و تبیین این گزارش ها، در کنار مطالب گوناگون که در سفرنامه ها و گزارش های آنان آمده برخی از آنان به سبب سبک نگارششان بیشتر جنبه داستانی یافته اند تا تحقیقی، بنابر بررسی های انجام شده در باب نگاه سفرنامه نویسان اروپایی به مقوله فرهنگی جرم و جنایت در عصر قاجار، می توان گفت گزارش سفرنامه نویسان خارجی از اوضاع امنیتی ایران، بیشتر توصیفی است و درباره این امر کمتر به تحلیل، قضاوت و داروی نشستند و یا برخی از این گزارشات را از شنیده های خود از دیگران درج نموده اند. گروهی از سفرنامه نویسان روس و انگلیسی بنا بر دلایل سیاسی هر کدام در قسمتی از ایران ساکن شده بودند و به جمع آوری مطالب تاریخی و جغرافیایی پرداخته و به آداب و رسوم اجتماعی کمتر توجه نموده اند، برخی از این سفرنامه نویسان تاجران و بازرگانان بودند که برای منافع اقتصادی خود یا برای شرکتهای تجاری دولت هایشان به نواحی شرقی مانند ایران می آمدند که این سفرهای تجاری همراه با توسعه سیاسی و نفوذ معنوی اروپا در این نواحی گسترش یافت. و دیگر سفرنامه نویسان نیز بنا به هر دلیلی که به ایران آمده بودند، هر کدام در بخشی از ایران سکنی گزیدند. و در میان شان آنهایی که توانستند قسمت بیشتری از ایران را ببینند، بسیار اندک بودند.

نکته قابل تامل این است که بیشتر این سفرنامه نویسان، گزارشات محدود خود را به کلیت مردم ساکن در این سرزمین نسبت داده‌اند. بنابراین شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که سفرنامه‌نویسان اروپایی بر اساس مشاهدات محدود، تعمیم‌های نابجایی در مورد جرم و جنایت در ایران دوره قاجار در یادداشتهای خود به ثبت رسانده‌اند. بنابراین توضیحات ارائه شده، درمورد استفاده از آثار سفرنامه نویسان به عنوان منابع تاریخی، توجه به چند نکته ضروری می‌نماید: برای استفاده از سفرنامه‌ها، نخست باید به ملیت، جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نویسنده و علت سفرش و همچنین، دوره یا زمانی که به ایران سفر کرده و از همه مهم‌تر، ارزش و اعتبار نگرش و یادداشت‌های او، به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. هرچند در این مهم، باید از انگیزه و غرض ورزی‌های نابخردانه پرهیز جست. از سوی دیگر، بدلیل وجود برخی تناقضات در میان یادداشت‌های سفرنامه‌نویسان، سعی شود با مقایسه و تطابق آن با منابع دست اول و رسمی دوره‌ی تاریخی مورد بررسی، بتوان از تشکیک‌های احتمالی، دوری گزید. و اینکه، در نهایت، با شناخت درست نسبت به دوره‌ی مورد بررسی و منابع موجود، گزارشات سره را از ناسره مشخص کرد. بالاخره مهم‌ترین نتیجه‌ای که در گزارشات سیاحان خارجی به وضوح نمایان تأثیر آمیزه‌های دینی در نظام جزایی ایران دوره قاجار می‌باشد به عنوان نمونه تنبیه و مجازات مشروب‌خواران توسط روحانیون بود، البته خودسری‌های و استبداد شاهزادگان قاجار در برخورد غیر اسلامی با متهمان و مجرمان هم در گزارش‌های سیاحان اروپایی به وضوح مشهود است.

منابع

- آنه کلود، اوراق ایرانی. خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت، (1368). ترجمه ایرج پروشانی. تهران: انتشارات معین.
- اولیویه، گیوم آنتوان. سفرنامه اولیه. (1371). تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار. ترجمه محمد طاهر میرزایی. تصحیح و حواشی غلامرضا و رهام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- بارنز، الکس. (1395). سفر به ایران در عهد فتحعلی‌شاه قاجار. ترجمه حسن سلطانی فر. تهران: به نشر.
- بروگشن، هنریش. (1367). سفری به دربار سلطان صاحبقران. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- براون، ادوارد. (1361). یک سال در میان ایرانیان. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: کانون معرف.
- بلانت، ویلفرد. (1346). جاده زرین سمرقند. ترجمه رضا رضایی. تهران: انتشارات عمران.
- پولاک، ادوارد یاکوب. (1361). ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- سرپرسی سایکس. (1380). تاریخ ایران. ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: نشر افسون.
- دالمانی، هانری رنه. (1335). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه فره‌وشی (همایون سابق). تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دروویل، گاسپار. (1370). سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: انتشارات شبلیوز.
- دوسرسی. (1362). ایران در 1839-1840 میلادی. ترجمه احسان اشرافی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دوکوتزبوئه، موریس. (1348). مسافرت به ایران همراه سفیر روسیه. ترجمه محمود هدایت. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دیولافوا. (1378). سفرنامه مادام دیولافوا. ترجمه همایون فره‌وشی. تهران: قصه پرداز.
- ژوبر. (1347). مسافرت به ارمنستان و ایران. ترجمه محمود مصاحب. تبریز: کتابفروشی مهر.
- فریزر، جیمز بیلی. (1364). سفر زمستانی. ترجمه و حواشی از منوچهر اسیری. تهران: انتشارات توس.

- کارلا سورنا. (1372). مردم و دیدنیهای ایرانیان. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: انتشارات سپهر.
- کرزن، جرج ناتالین. (1373). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- وامبری، آرمینیوس. (1337). سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه. ترجمه فتحعلی خواجه نوریان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ویلز، (1368). ایران در یک قرن پیش؛ سفرنامه دکتر ویلز. ترجمه غلامحسین قراگوزلو، بی‌جا، تهران: اقبال.